

التحليل الفقهي لعملية التجميل في الإسلام، دراسة مقارنة لآراء الفريقين (الشيعة وأهل السنة)

محمد نظري يشتكوهي^١

محمد هدايتي^٢

[تاريخ الاستلام: ١٤٠٤/٠٢/٣٠؛ تاريخ القبول: ١٤٠٤/٠٥/٠١ هـ ش]

الملخص

أُفتت عملية التجميل التي تعدّ من المسائل الطبية المستحدثة وذات أنواع وطرق متعددة، أنظار أصناف مختلفة من الناس. لكنّها نظرا إلى الأسس الدينية والأخلاقية، واجهت عدّة تحديات في المجتمعات الإسلامية، منها: ضرورتها أو عدمها، والمحذورات الشرعية والدينية، واحتمال تعقّب الآثار الشخصية والاجتماعية. أبدى فقهاء الشيعة وأهل السنة آراء مختلفة، متلائمة في حين وأخرى متعارضة، في جواز عملية التجميل وحرمتها. يسعى هذا البحث ذي الاتجاه المقارن، إلى التحليل الفقهي لعملية التجميل في الإسلام، والمقارنة بين آراء الفريقين، الشيعة وأهل السنة. وتداول باتّخاذ المنهج الوصفي - التحليلي، ومستند إلى مصادر الفريقين الفقهية والحديثية والأصولية، شروط وضوابط جواز أو حرمة عملية التجميل، وأوجه الاشتراك والمفارقة، وتوصل إلى جوازها مشروطا بالاحتفاظ بالمعايير الشرعية والدينية. من الواضح أنّ الغاية من هذا البحث هو التحليل الفقهي لعملية التجميل في الإسلام باتّخاذ اتجاه مقارن بين آراء الفريقين، كي يتسنى الردّ على مقتضيات الاجتماع اعتمادا على القدرات الفقهية لدى الفريقين. تبين معطيات البحث أنّ كلا الفريقين يرى جواز عملية التجميل فيما إذا اقتضت الضرورة، وتمّ الاحتفاظ بالمعايير الشرعية، لكنّهما اختلفا في مصاديق الضرورة وحدودها، وذلك لاختلاف ضوابط احتجاجهم بالمصادر وفهمهما منها.

الكلمات المفتاحية: عملية التجميل، فقه الطب، الفقه المقارن، الضرورة، التدليس، تغيير الخلقة.

١. أستاذ مساعد، قسم الأخلاق، كلية الطب، جامعة زابل للعلوم الطبية، إيران (الكاتب المسؤول) nazarim3170@yahoo.com

٢. أستاذ مساعد، قسم الأخلاق، جامعة المعارف، قم، إيران m.hedayati1348@gmail.com

تحلیل فقهی جراحی زیبایی در اسلام؛ مطالعه تطبیقی دیدگاه‌های فریقین (شیعه و اهل سنت)

محمد نظری پشتکوهی^۱، محمد هدایتی^۲

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱]

چکیده

امروزه جراحی زیبایی، به عنوان یکی از مسائل مستحدثه پزشکی، انواع و روش‌های متعددی دارد و توجه گروه‌های مختلف را به خود جلب کرده است. در جوامع اسلامی، با توجه به مبانی دینی و اخلاقی، این مسئله با چالش‌های متعددی مواجه است، از جمله: ضرورت یا عدم ضرورت آن، محذورات شرعی و دینی، و احتمال بروز عوارض فردی و اجتماعی.

فقه‌های شیعه و سنی درباره جواز یا حرمت جراحی زیبایی، دیدگاه‌های متنوعی ارائه کرده‌اند که گاه همسو و گاه متفاوت است. این نوشتار، با رویکرد تطبیقی، به تحلیل فقهی جراحی زیبایی در اسلام و مقایسه دیدگاه‌های دو فریقین (شیعه و اهل سنت) می‌پردازد. در این پژوهش، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع فقهی، روایی و اصولی دو مذهب، شرایط و ضوابط جواز یا حرمت جراحی زیبایی بررسی شده و به نقاط اشتراک و اختلاف آن‌ها اشاره می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که جراحی زیبایی، در صورت رعایت موازین شرعی و دینی، جایز است.

بدیهی است که هدف از این تحقیق، تحلیل فقهی جراحی زیبایی در اسلام با رویکرد تطبیقی میان دیدگاه‌های فقه‌های شیعه و اهل سنت است تا با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فقهی طرفین، پاسخگوی نیازهای جامعه باشد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هر دو مذهب، در صورت وجود ضرورت و رعایت موازین شرعی، جراحی زیبایی را جایز می‌دانند؛ اما در تعیین مصادیق ضرورت و حدود آن اختلاف نظرهایی وجود دارد که برخاسته از کیفیت و فهم استناد به منابع دینی است.

واژگان کلیدی: جراحی زیبایی، فقه پزشکی، فقه تطبیقی، اضطراب، تدلیس، تغییر خلقت

۱. استادیار گروه اخلاق، دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی زابل، ایران (نویسنده مسئول) nazarim3170@yahoo.com

۲. استادیار گروه اخلاق، دانشگاه معارف قم، قم، ایران m.hedayati1348@gmail.com

۱. بیان مسئله

با پیشرفت فناوری‌های پزشکی و افزایش تقاضا برای تغییر ظاهر، جراحی زیبایی به یکی از شاخه‌های پرطرفدار پزشکی تبدیل شده است. با وجود مزایای بالقوه این جراحی‌ها در ارتقای اعتماد به نفس و بهبود کیفیت زندگی افراد، این حوزه با چالش‌های متعددی مواجه است، از جمله: عوارض پزشکی، ریسک‌های روانی، هزینه‌های بالا، نتایج غیرقابل پیش‌بینی و بی‌توجهی به الزامات شرعی و دینی. از این رو، در محافل علمی و دینی همواره دستورالعمل‌هایی برای تبیین این مسائل و کاهش مخاطرات ناشی از جراحی‌های زیبایی ارائه شده است که ضرورت دارد به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد.

یکی از مسائل مستحدثه در علم پزشکی که در قرن اخیر رشد فزاینده‌ای داشته، جراحی زیبایی است. جراحی زیبایی، عملی است برای زیباسازی، اصلاح و بهبود شکل ظاهری اعضای صورت یا بدن انسان و از بین بردن زوائد آن. با پیشرفت علم پزشکی، این نوع جراحی به یکی از رایج‌ترین اقدامات پزشکی تبدیل شده و از جنبه‌های پزشکی، اخلاقی، فردی، اجتماعی و فقهی قابل بررسی است.

پرسش اصلی این نوشتار این است که آیا جراحی زیبایی از نظر فقه شیعه و اهل سنت جایز است یا خیر و چه شرایطی برای جواز آن وجود دارد. در دوران معاصر، محققان و پژوهشگران از زوایای اخلاقی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و حقوقی به موضوعات و مسائل مرتبط با جراحی زیبایی پرداخته‌اند.

جراحی زیبایی در متون فقهی قدیم به صورت مستقل مورد بحث قرار نگرفته است، هرچند مسائل مرتبط با آن در ابواب مختلف فقه مانند نکاح، آداب کسب و کار، احکام وضو و غسل (در مورد اعضای جراحی‌شده) و همچنین نگاه و لمس نامحرم مطرح شده است. با این حال، پژوهش‌های فقهی ارزشمندی در این زمینه انجام شده است که

برخی از مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر است:

۱. «جراحی زیبایی از منظر فقه و حقوق پزشکی»: در این مقاله، نگارنده اعمال جراحی زیبایی را که با هدف حفظ تعادل روحی و بهبود روانی فرد انجام می‌گیرد، نوعی درمان دانسته و از منظر پزشکی، فقهی و حقوقی جایز می‌داند.

۲. «بررسی فقهی-حقوقی مبانی و محدوده تجویز جراحی پزشکی زیبایی و ترمیمی»: نگارنده اقسام جراحی زیبایی و چالش‌های آن را بررسی کرده و نتیجه می‌گیرد که منافع و مضار جراحی باید برای توجیه عقلانی سنجیده شود.

۳. «بررسی جواز جراحی پلاستیک در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران»: این مقاله به تحلیل مبانی فقهی و دیدگاه‌های علمای شیعه و اهل سنت درباره جواز یا عدم جواز جراحی‌های پلاستیک می‌پردازد و شرایط ایجاد یا رفع مسئولیت کیفری پزشک را مورد بررسی قرار داده است. براساس یافته‌های پژوهش، در نظام حقوق کیفری ایران و با استناد به نظر مشهور فقهای امامیه و دلایل فقهی، انواع جراحی‌های پلاستیک در صورت رعایت شرایط و ضوابط مشخص، مشروع و مباح تلقی می‌شوند.

۴. جراحی زیبایی از منظر فقه: این کتاب جامع‌ترین اثر فقهی در حوزه جراحی زیبایی است و ضمن موضوع‌شناسی و بررسی تفصیلی انواع آن، دیدگاه‌های مختلف فقهی را تحلیل کرده و در فصل آخر، مسئله ضمان و مسئولیت پزشکان و متصدیان جراحی زیبایی را بررسی می‌کند.

۵. «واکاوی فقهی حکم اولی و ثانوی انواع عمل‌های جراحی زیبایی از دیدگاه مذاهب اسلامی و بررسی آن در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف»: نگارنده پس از بررسی ادله دو گروه، نتیجه گرفته است که استناد بر حرمت جراحی زیبایی ناتمام است و قول به جواز صحیح‌تر است.

۶. «الضوابط الشرعية للجراحات التجميلية»: این مقاله به تعریف، انواع و اقسام جراحی زیبایی و بررسی حکم شرعی آن پرداخته است.

۷. «العمليات التجميلية: حقيقتها، أنواعها، حكمها، ضوابطها»: مقاله‌ای که به بیان احکام و اقسام جراحی زیبایی اختصاص دارد.

در مجموع، پژوهش‌های موجود نشان می‌دهند که جراحی زیبایی، در صورت رعایت شرایط شرعی و پزشکی، در فقه اسلامی جایگاه مشروعیت دارد و با توجه به منافع فردی و اجتماعی، می‌تواند به عنوان یک اقدام مباح و حتی درمانی محسوب شود.

تحقیقات پیشین عمدتاً به بررسی کلیات حکم جراحی زیبایی به صورت پراکنده و غیرتطبیقی پرداخته‌اند و تحلیل جامع و مقایسه‌ای دقیق میان دو مکتب فقهی شیعه و اهل سنت انجام نشده است. این نوشتار درصدد است با استناد به منابع معتبر هر دو مذهب، به صورت نظام‌مند و مقایسه‌ای، دیدگاه‌های فریقین (شیعه و اهل سنت) در مسئله جراحی زیبایی را مورد بررسی قرار دهد و کمک کند تا متقاضیان و متصدیان عمل جراحی زیبایی، با آگاهی کامل از دیدگاه‌های مختلف، تصمیمات آگاهانه‌تری درباره انجام یا عدم انجام این نوع جراحی‌ها اتخاذ کنند.

فرضیه تحقیق بر این اساس استوار است که زیبایی‌طلبی و زیباخواهی، از حقوق طبیعی و تکوینی انسان است و در فقه اسلامی (اعم از شیعه و اهل سنت)، جراحی زیبایی در صورت وجود ضرورت پزشکی، روانی یا اجتماعی و با رعایت موازین شرعی جایز است؛ اما در موارد غیرضروری و صرفاً برای تجمل‌گرایی، با محدودیت‌ها یا منع‌های فقهی مواجه می‌شود.

۲. مفاهیم

۱-۲. فقه و مسائل مستحدثه

واژه «مستحدثه» در لغت از ریشه «حَدَث» به معنای «جدید و بی سابقه» گرفته شده است (راغب، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ص ۲۲). در اصطلاح فقهی، مسائل مستحدثه یا نوازل^۱ به موضوعات

جدیدی اطلاق می‌شود که حکم شرعی آن‌ها به صورت صریح در نصوص دینی ذکر نشده است؛ خواه این موضوعات در گذشته سابقه نداشته باشند، یا به دلیل تغییر در ویژگی‌ها، شرایط یا قیود، ماهیتی تازه یافته باشند (مکارم، ۱۴۲۷ق: ج ۱، ص ۴۵۹؛ نورالدین، ۱۴۳۷ق: ج ۱، ص ۸). چنین مسائلی نیازمند استنباط احکام شرعی جدید هستند و حوزه‌های گوناگونی مانند عبادی، پزشکی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فناوری را در بر می‌گیرند. با گذر زمان و تحول نیازهای زندگی، پرسش‌های نوینی پدید می‌آید. از آنجا که اسلام دینی جهانی و پاسخگوی تمام نیازهای بشر است (مکارم، ۱۴۲۷ق: ج ۱، ص ۴۶۰)، افراد و جوامعی که می‌خواهند در چارچوب شریعت گام بردارند، نیاز جدی به احکام فقهی مسائل جدید دارند و پاسخگویی به این نیاز بر عهده فقهاست که با ابزارهای اجتهادی، به این مسائل پاسخ دهند. فقهای اهل سنت عمدتاً از قیاس، استحسان، مصالح مرسله و عرف و عادت برای استنباط احکام مسائل نوپدید بهره می‌برند (رضایی، ۱۳۹۹: ص ۱۱۲). فقهای شیعه بر این باورند که ریشه همه مسائل مستحدثه - حتی آن‌ها که مرتبط با تمدن جدید و زندگی اجتماعی هستند - در قرآن، سنت و قواعدی نهفته است که امامان معصوم علیهم‌السلام بیان کرده‌اند، و فقها باید با تلاش علمی، احکام مرتبط را استخراج کنند (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۵۹؛ عاملی، بی تا: ج ۲۷: ص ۶۲).

با توجه به پیشرفت‌های بشر در عرصه‌های مختلف و گسترش دامنه آگاهی‌ها، مسائل پیچیده‌تری پدید آمده است و فقه باید توانایی پاسخگویی به این نیازها را داشته باشد. از این رو، لازم است فقها و عالمان دینی به صورت فعالانه به بررسی مسائل نوظهور بپردازند و تکلیف شرعی آن‌ها را روشن سازند. بر این اساس، تمامی مکاتب فکری و فقهی جهان اسلام بر این باورند که با توجه به افزایش روزافزون مسائل جدید، همگامی فتواها با شرایط زمانه و توانمندسازی آن‌ها برای پاسخ به پرسش‌های نوین، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

۲-۲. جراحی زیبایی

جراحی زیبایی (جراحة التجميل) به عنوان یکی از شاخه‌های تخصصی جراحی پلاستیک^۲ شناخته می‌شود و هدف اصلی آن اصلاح ناهنجاری‌های ظاهری، بهبود تناسب اندام و بازسازی بخش‌های مختلف بدن است. این نوع جراحی معمولاً تغییرات دائمی در ساختار فیزیکی فرد ایجاد می‌کند و طیف گسترده‌ای از مداخلات پزشکی را در بر می‌گیرد. براساس اهداف درمانی و زیبایی شناختی، جراحی زیبایی به سه گروه اصلی تقسیم می‌شود: جراحی ترمیمی کارکردی،^۳ جراحی ترمیمی شکلی^۴ و جراحی زیبایی محض^۵ (اولسن، ۱۳۸۸ ش: ۱، ص ۸). این نوع جراحی در هر دو جنس زن و مرد رواج دارد و شامل موارد متعددی است.^۶

۳. مبانی فقهی و استدلالی شیعه و سنی درباره جراحی زیبایی

مقصود از مبانی، آن دسته از چارچوب‌های فکری و استدلالی است که فقها به صورت پیش فرض برای صدور حکم شرعی در خصوص جراحی زیبایی به کار می‌برند. در این نوشتار، به مهم‌ترین این موارد پرداخته می‌شود:

۳-۱. حق مالکیت انسان بر اعضای خود و قلمرو آن

بحث مالکیت یا عدم مالکیت انسان بر اعضای بدن از موضوعات چالش برانگیز در فقه امامیه و اهل سنت است و پیامدهای فقهی متعددی مانند تغییر و دخل و تصرف در اعضا، اهدای عضو در حیات و پس از مرگ و خرید و فروش اعضای بدن را در بر می‌گیرد. با توجه به اینکه اعمال جراحی زیبایی نوعی دخل و تصرف در بدن محسوب می‌شود، بررسی حدود مالکیت انسان بر جسم خود از منظر مذاهب اسلامی ضروری به نظر می‌رسد.

برخی از فقهای شیعه و سنی با استناد به عرف عقلایی و قاعده «تسلط افراد بر اموال خود» (نجفی، ۱۳۶۲: ج ۲۴، ص ۱۳۸؛ زحیلی، بی تا: ج ۷، ص ۵۳) معتقدند که انسان ها نسبت به جسم خویش دارای حق مالکیت هستند و می توانند در مواردی مانند درمان، جراحی و سایر تصرفات درباره بدن خود تصمیم گیری کنند (احسائی، ۱۴۰۸: ج ۱، ص ۲۲۲؛ محسنی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۷۶). با این حال، این حق نامحدود نیست و با توجه به تأکید قرآن بر حرمت آسیب به نفس (نساء: ۲۹) و نهی از وارد کردن زیان به خود (بقره: ۱۹۵)، تصرفات مجاز تنها در صورتی جایز است که موجب مرگ، نقص عضو، خواری یا ضرر غیر قابل جبران نشود (خمینی، ۱۴۳۰ق: ج ۱، ص ۴۲؛ کلینی، ۱۳۶۳: ج ۵، ص ۶۹۷).

در مقابل، گروهی دیگر از فقهای شیعه و اهل سنت بدن را امانتی الهی می دانند و هرگونه حق مالکیت و تصرف خودسرانه را برای انسان نفی می کنند. استدلال این گروه مبتنی بر احکامی مانند حرمت آسیب به بدن (بقره: ۱۹۵) و وجوب حفظ سلامتی (نراقی، بی تا: ج ۱۵ ص ۲۲) است که همگی دلالت بر عدم مالکیت مطلق انسان بر جسم خود دارند. بر این اساس، هرگونه دخل و تصرف در این امانت الهی نیازمند مجوز شرعی است (بحرانی، ۱۴۳۰ق: ج ۴، ص ۲۲؛ رستمی و همکاران، ۱۳۹۸ش: ص ۱۶).

با توجه به اینکه موافقان مالکیت انسان، تصرف در بدن را مشروط به شرایطی خاص می دانند و مخالفان نیز در صورت وجود مجوز شرعی، برخی تصرفات را جایز می شمرند، می توان بین این دو نظریه هماهنگی ایجاد کرد. بدین ترتیب، در مواردی که تغییرات بدنی بدون وارد آمدن آسیب جدی، منطبق با موازین شرعی و دارای اهداف عقلایی باشد، می توان جواز انجام چنین اقداماتی را پذیرفت (مکارم، ۱۳۷۰ش: ج ۲، ص ۳۴؛ مجموعه من المؤلفین، ۱۴۳۰ق: ج ۶، ص ۲۷۷).

۲-۳. تغییر در خلقت و گستره آن

مسئله دخالت در چگونگی آفرینش الهی، از مباحث مهم و چالش برانگیز در فقه اسلامی است که هم در میان فقهای شیعه و هم اهل سنت مورد توجه و بحث قرار گرفته است. از آنجا که جراحی زیبایی از جمله تصرفاتی به شمار می‌آید که غالباً موجب تغییر در اعضای بدن می‌شود، ضروری است موضوع و گستره «تغییر در خلق الله» براساس آیات قرآن و روایات تبیین گردد. یکی از مهم‌ترین ادله در این زمینه، آیه شریفه «فَلْيُغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ» (نساء: ۱۱۹) است که همواره مورد اختلاف مفسران و فقها درباره مصداق و مراد از «تغییر خلق الله» بوده است (علیدوست، ۱۳۹۴: ص ۷).

برخی از فقها و مفسران، با استناد به این آیه و نیز حدیث نبوی: «لَعَنَ اللَّهُ الْوَأَشِمَاتِ وَالْمُسْتَوْشِمَاتِ وَالْمُتَنَمِّصَاتِ وَالْمُتَفَلِّجَاتِ لِلْحُسْنِ الْمُغَيَّرَاتِ خَلْقَ اللَّهِ» (بخاری، بی تا: ج ۶، ص ۱۴۸) بر این باورند که هرگونه دخل و تصرف در اعضای بدن، از مصادیق تغییر در خلقت الهی بوده و به حکم شرع حرام است. آنان معتقدند آیه دلالت بر حرمت مطلق هرگونه تغییر در آفرینش خداوند دارد و شیطان با وعده گمراهی، مردم را به چنین تغییراتی ترغیب می‌کند. طبق این دیدگاه، هرگونه تغییر در بدن انسان یا حیوان - اعم از نقص آور یا غیرنقص آور - مشمول این حرمت است. از نظر این گروه، حرمت شرعی مواردی مانند خصاء، ۷ تبکی، ۸ فلج الأسنان، ۹ وشم، ۱۰ فقه العین ۱۱ و حلق اللحیه ۱۲ شاهدهی روشن بر این ادعاست (قرطبی، ۱۳۸۴: ش: ج ۵، ص ۳۸۹).

در برابر این دیدگاه، گروهی دیگر از فقها و مفسران بر این باورند که مقصود از «تغییر خلق الله» تنها تغییراتی است که موجب نقص یا فساد در آفرینش شود، نه مطلق تغییر. به بیان دیگر، تصرفاتی که به بدن آسیب برساند یا آن را از حالت طبیعی خارج کنند، مشمول نهی شرعی بوده و حرام‌اند؛ اما تغییراتی که بهبود ظاهر را در پی دارند و آسیبی به بدن نمی‌زنند، داخل در دایره حرمت نیستند (آلوسی، ۱۴۱۵: ق: ص ۱۴۴).

گروهی دیگر از مفسران، مراد از «خلق الله» در این آیه شریفه را دین الهی و فطرت انسانی دانسته‌اند. براساس این تفسیر، شیطان می‌کوشد عقاید حق و قوانین شرعی را که مطابق با فطرت‌اند، تغییر دهد و انسان را از مسیر بندگی خداوند به سوی کفر و انحراف سوق دهد (قنوجی، ۱۴۱۲ق: ص ۲۴۵؛ اندلسی، ۱۴۲۰ق: ج ۴، ص ۷۱؛ طباطبایی، ۱۳۶۳ش: ج ۵، ص ۹۶). بنابراین، این آیه ناظر به مسئله توحید و شرک است و ارتباطی با تصرفات جسمانی، مانند جراحی یا اصلاح ظاهری اعضا، ندارد (مکارم، ۱۳۷۴ش: ص ۴۲). بررسی دقیق متون دینی و توجه به سیاق آیه (که در مقام بیان انحرافات ناشی از اغوای شیطان است) و نیز ملاحظه روایات مرتبط (که غالباً ناظر به نهی از تشبه به فرهنگ‌های جاهلی، اعمال مبتنی بر فریب، و آسیب‌رسانی به خود هستند) نشان می‌دهد که مقصود از «تغییر خلق الله»، اقداماتی است که موجب تحقیر شأن انسانی، خدشه دار شدن هویت انسان، یا اختلال در کارکرد طبیعی اعضا گردد؛ به‌ویژه آن دسته از تغییراتی که آسیب‌های جدی به بدن وارد می‌کنند یا منزلت انسان را تا سطح حیوانات تنزل می‌دهند.

۳-۳. اضرار به نفس و گستره آن

یکی از اصول مشترک فقهی که در مباحث گوناگون میان شیعه و اهل سنت مورد استناد قرار می‌گیرد، قاعده «لاضرر ولاضرار» ۱۳ است. این اصل بیان می‌کند که هیچ فردی مجاز نیست به خود یا دیگران آسیبی وارد سازد (عبد‌الغفار، ۱۴۳۲ق: ج ۱۰، ص ۴)؛ حتی وارد کردن عمدی ضرر به خویشان، چه در آغاز و چه در ادامه آن، از نظر شرعی ممنوع شمرده شده است (ازاکی، ۱۳۷۱ش: ص ۲۰۶). برخی فقها، حرمت آسیب‌رساندن به خود را مشروط به شرایطی چون منجر شدن به مرگ، نقص عضو یا انجام عملی مخالف رضایت شارع دانسته‌اند (خویی، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ص ۵۴۸). همچنین استدلال شده است که دلایل حرمت آسیب به نفس، همچون ممنوعیت خودکشی یا قراردادن خویش در معرض هلاکت، شامل

ضررهای «منجبر» ۱۴ و عقلایی نمی‌شود. بر این اساس، اگر فرد برای دستیابی به هدفی شرعی و ارزشمند، متحمل آسیبی گردد - حتی اگر به ازدست دادن عضو یا جان بینجامد - چنین اقدامی مجاز خواهد بود (زرقا، ۱۴۰۹ق: ص ۱۶۵).

با توجه به اینکه جراحی‌های زیبایی با خطرات قابل توجهی همراه اند و می‌توانند پیامدهای جسمانی و روانی متعددی در پی داشته باشند، بررسی آن‌ها ضروری است. از جنبه جسمانی، بیماران ممکن است با مشکلاتی همچون التهاب موضعی، ابتلا به عفونت‌های پس از عمل، درد مزمن، خون‌مردگی، تشکیل هماتوم، اختلالات انعقادی، تغییرات رنگ دانه‌ای پوست، تأخیر در التیام زخم، نکروز بافتی و اختلالات عصبی روبه‌رو شوند. در خصوص بیهوشی عمومی نیز عوارض بالقوه‌ای مانند شوک آنافیلاکسی، اختلالات تنفسی، حساسیت به داروهای بیهوشی، آریتمی‌های قلبی، کاهش سطح هوشیاری و در موارد نادر، مرگ گزارش شده است. از منظر روان‌شناختی نیز، بیماران ممکن است دچار تنش‌های عصبی، اضطراب پس از عمل، اختلالات خواب و در برخی موارد علائم افسردگی گردند؛ این موارد از عوارض شایع جراحی‌های زیبایی به شمار می‌آیند (مروتی و همکاران، ۱۳۹۳ش: ص ۶۷).

با نگاهی تلفیقی از منظر پزشکی و فقهی، و با توجه به منابع دینی که بر جواز تحمل برخی آسیب‌های جزئی در برابر کسب فضیلت‌ها یا رفع عیوب تأکید دارند، می‌توان نتیجه گرفت: جراحی زیبایی، در صورتی که دارای توجیه عقلایی و منطقی باشد، فواید آن بر خطراتش برتری یابد و با قصد صحیح و به دور از افراط انجام گیرد، جایز خواهد بود.

۳-۴. اضطراب و ضرورت

اضطراب، مصدر باب افتعال در زبان عربی، از ریشه «ضرر» مشتق شده و در ساختار باب افتعال، به حالت ناگزیری و درماندگی اشاره دارد که فرد را به پذیرش شرایط نامطلوب وادار می‌سازد. این مفهوم در لغت به معنای نیاز شدید و اجبار ناشی از شرایط خاص به کار رفته

است (ابن منظور، ۱۳۹۵: ج ۸، ص ۴۵؛ راغب، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۵۰۴). همچنین، آیاتی از قرآن کریم (بقره: ۱۱۵، ۱۷۳؛ مائده: ۳؛ نحل: ۱۱۹؛ انعام: ۱۴۵) شرایط ویژه اضطراب و احکام مرتبط با آن را به صراحت تبیین می نمایند و فقیهان شیعه و سنی در جواز برخی محظورات، به آن‌ها استناد می کنند ۱۵ (سمرقندی، ۱۴۳۱ق: ج ۱، ص ۱۱۵).

در منظومه فقه اسلامی، اضطراب به شرایط حادثی اطلاق می شود که فرد را در موقعیتی بحرانی قرار می دهد، به گونه ای که مکلف را به ارتکاب محظورات شرعی وادار می سازد، موجب تخلف از واجبات دینی می گردد و به موجب آن، تکالیف الزامی به صورت موقت ساقط می شوند. منشأ این اضطراب گاهی درونی است، مانند نیازهای حیاتی (گرسنگی و تشنگی شدید)، بیماری های تهدیدکننده حیات و دردهای غیرقابل تحمل، و گاهی نیز از عوامل بیرونی ناشی می شود، مانند تهدید جانی از سوی ظالمان، فشارهای اجتماعی غیرقابل تحمل و بلایای طبیعی (زرقا، ۱۴۰۹ق: ص ۲۱۳؛ راغب، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۵۰۵). در این شرایط، فرد به دلیل عوامل قهری، قدرت انتخاب و اختیار خود را از دست می دهد (طبرسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۲۷۵) و دیگر نه تکلیف واجبی باقی می ماند و نه حرمت محظوری استمرار می یابد (آل سعدی، ۱۴۲۰ق: ص ۲۸۹).

می توان گفت قاعده اضطراب، علاوه بر مستندات شرعی، پایه عقلی نیز دارد و در میان ملل و اقوام مختلف نیز مورد استناد قرار گرفته است. این مفهوم در نظام حقوقی اسلام به عنوان یک مکانیسم تعادل بخش عمل می کند که از سویی، اصول کلی شریعت را حفظ می کند و از سوی دیگر، به نیازهای اضطرابی بشر پاسخ می دهد. چنین رویکرد حکیمانه ای، نشانگر انعطاف پذیری و واقع نگری شریعت اسلامی در مواجهه با شرایط خاص است.

۳-۵. تدلیس

کلمه «تدلیس» در زبان عربی از ریشه «دَلَس» و بروزن «تفعیل» مشتق شده و به معنای فریب دادن، پنهان کردن عیب یا مخفی نگه داشتن حقیقت است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق:

ج ۴، ص ۳۸۷). در متون فقهی و حقوقی، تدلیس به معنای اقدام فریب‌آمیز یکی از طرفین قرارداد تعریف می‌شود؛ به گونه‌ای که با رفتار یا ترفندهای عمدی، کالایا فرد مورد معامله را بهتر از وضعیت واقعی نشان دهد و طرف مقابل را به انعقاد عقد ترغیب کند (عاملی، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ص ۲۷۳؛ طیار، ۱۴۲۹ق: ج ۴، ص ۹۷). در فقه اسلامی، اصطلاح «تدلیس فی العقد» به شرایطی اشاره دارد که یکی از متعاملین با پنهان کردن عیوب یا اغراق در ویژگی‌های مثبت، طرف دیگر را فریب دهد؛ برای نمونه، در مسئله «تدلیس ماشطه»، فرد با استفاده از آرایش یا تکنیک‌های فریبنده، عیوب ظاهری خود را می‌پوشاند تا طرف مقابل را گمراه کند؛ مانند آرایش غلیظ یک زن برای پنهان کردن نقص‌های چهره در هنگام خواستگاری.

در برخی منابع فقهی اهل سنت و همچنین در قوانین برخی کشورها، واژه‌هایی مانند «تلبیس»، «تغریب» و «خداع» به جای تدلیس به کار رفته‌اند؛ اما همه آن‌ها به نوعی به فریبکاری در معاملات اشاره دارند (جرجانی، ۱۳۹۹ق: ج ۳، ص ۴۱۷؛ صابونی، ۱۴۰۰ق: ج ۱، ص ۵۹۷). در اسلام، تدلیس عملی مذموم و حرام شمرده شده است؛ زیرا موجب تضییع حقوق افراد و ایجاد خسارت‌های جبران‌ناپذیر می‌شود (صفاتی، ۱۳۹۶ش: ص ۲۱). در برخی موارد، عمل جراحی زیبایی و تغییرات ایجادشده به حدی است که هویت فرد مخدوش می‌شود؛ یعنی تغییر کامل چهره و صفات اصلی مورد نظر در عقود و ایقاعات رخ می‌دهد، عیوب پنهان می‌شوند و طرف مقابل فریب می‌خورد؛ در این صورت، چنین عملی می‌تواند از مصادیق تدلیس محسوب شود.

۳-۶. نگاه، لمس و گستره آن

یکی از مسائلی که در فقه اسلامی به آن توجه ویژه‌ای شده، موضوع نگاه و لمس نامحرم است. این مسئله، علاوه بر اهمیت دینی، می‌تواند در حوزه‌های اجتماعی و حقوقی نیز تأثیرات عمیقی داشته باشد. فقهای اهل سنت و شیعه، با استناد به آیات قرآن (نور: ۳۰

و (۳۱)، اتفاق نظر دارند که نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم - غیر از صورت و دستان از انگشتان تا مچ - (خمینی، ۱۴۳۴ق: ج ۲، ص ۲۶۱؛ سند، ۱۴۲۳ق: ج ۳، ص ۶۷) و لمس و تماس فیزیکی زن و مرد نامحرم - جز در موارد ضرورت - حرام است (بنی هاشمی، ۱۳۹۳ش: ص ۹۴۲؛ شنقیطی، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ص ۲۱۵). در جراحی های زیبایی، مسئله نگاه و لمس نامحرم به بدن بیمار یکی از چالش های شرعی مهم به شمار می رود؛ بنابراین در مواردی که عمل جراحی زیبایی درمان بیماری محسوب نمی شود یا ضرورتی ندارد، نگاه کردن و لمس حرام، حتی به خاطر آن، جایز نیست (محمودی، ۱۳۸۳ش: ج ۳، ص ۱۵۳).

۴. جراحی زیبایی از منظر فقهای شیعه

اکثریت فقهای شیعه قائل اند که جراحی زیبایی فی نفسه و با قطع نظر از هر عنوان ثانوی، جایز است. مستند این حکم، تمسک به قاعده سلطنت و مالکیت انسان بر نفس و اعضای خود و وجود غرض عقلایی است. این فقها بر این باورند که دلیلی بر حرمت عمل جراحی زیبایی وجود ندارد و حکم آن فی نفسه و ذاتاً جایز است. سلطه انسان ها بر نفوسشان امری عقلانی است و همان گونه که انسان بر اموال خود سلطه دارد، بر نفس خود نیز مسلط است و چنین سلطه ای به انسان این حق را می دهد که هرگونه تصرفی را، مگر در موارد وجود مانع قانونی یا شرعی، انجام دهد (خمینی، ۱۴۳۰: ج ۱، ص ۳۹؛ ج ۴، ص ۵۱۷). بنابراین، جراحی های زیبایی که با هدف اصلاح نواقص ظاهری ناشی از حوادث یا بیماری ها، یا به منظور افزایش اعتماد به نفس و بهبود وضعیت روانی - در صورت رعایت ملاحظات شرعی - انجام شوند، جایز خواهند بود.

برخی دیگر از فقهای شیعه بر این باورند که جراحی های زیبایی در مواردی که ضرورت پزشکی یا درمانی اقتضا نمی کند و صرفاً به خاطر زیبایی انجام می شوند، جایز نیست

(بهجت، ۱۴۲۸ق: ص ۱۱؛ علوی، ۱۳۹۵ش: ص ۵۴۴)؛ زیرا چنین جراحی‌هایی ممکن است به تغییر آفرینش و خلقت خداوند، افزایش غرور و خودنمایی، هزینه‌های سرسام‌آور و غیرمنطقی، خطرات و عوارض جانبی غیرقابل جبران و تدلیس منجر شود؛ این موارد می‌تواند از مؤلفه‌های مؤثر در حرمت این عمل باشد.

۵. جراحی زیبایی از منظر فقه‌های اهل سنت

فقه‌های اهل سنت جراحی‌های زیبایی را به دو قسم «ضروری» و «تحسینی» تقسیم کرده‌اند. جراحی ضروری (حاجیه) به استناد برخی روایات جایز دانسته شده است (بعض طلبة العلم، ۱۴۳۱ق: ص ۲۶). از نظر این گروه از فقها، جراحی زیبایی که به منظور رفع عارضه‌ها و نقص‌ها یا مشکلاتی انجام گیرد که مادرزادی نبوده و در اثر تصادف، سوختگی، شکستگی، قطع عضو و مانند آن پدید آمده است، تا زمانی که مستلزم ارتکاب حرامی نباشد، جایز خواهد بود. مستند این دیدگاه، روایتی است که در آن رسول خدا ﷺ به مردی که در جنگ بینی‌اش قطع شده بود، اجازه داد تا بینی مصنوعی از جنس طلا بسازد (شنقیطی، ۱۴۱۵ق: ص ۱۸۳). بنابراین، اگر جراحی‌های زیبایی به منظور درمان، حفظ جان، رفع اضطرار، ترمیم اعضای بدن یا افزایش اعتماد به نفس و بارعایت ملاحظات شرعی انجام گیرد، جایز است و اشکالی ندارد (آل سعدی، ۱۴۱۸ق: ص ۱۰۲).

دسته دیگری از فقها، بر این عقیده‌اند که جراحی زیبایی مصداق تغییر در خلقت، تشبیه به کفار و منهی‌عنه در روایات است و اگر کسی به چنین عملی مبادرت ورزد به حکم شریعت اسلام، ملعون و مطرود از رحمت خدا خواهد بود و عاملین آن تابع شیطان‌اند. این طایفه مستند فتوای خود را بر آیه شریفه «وَلَا ضَلَّاهُمْ وَلَا مَيَّتَهُمْ وَلَا مَرَّتَهُمْ فَلْيَتَّكِنِ الْإِنْعَامَ وَلَا مَرَّتَهُمْ فَلْيَغْيِرْ خَلْقَ اللَّهِ» (نساء: ۱۱۹) قرار داده و جراحی زیبایی‌ای را که صرفاً به منظور

زیباسازی صورت یا بدن انجام شود - مانند تغییر، بلند یا کوتاه کردن شکل اندام‌ها، پا، سینه، لب، بینی، ابرو - قطعاً حرام می‌دانند. به نظر ایشان، علت و وجه حرمت «کندن موی صورت» یا «وصل کردن موی انسان به موی سر انسان دیگر»، همان «طلب زیبایی» و «تغییر در خلقت خداوند» است، و این وجه جامع، در جراحی‌هایی که صرفاً برای زیبایی انجام می‌شوند، نیز صادق است (شنقیطی، ۱۴۱۵ق: ص ۱۹۴). بنابراین، انسان‌ها نباید در آفرینش و شکل ظاهری خود تغییر عمدی ایجاد کنند؛ زیرا چنین تغییراتی به نوعی مخالف با ارادهٔ خداوند بوده و عملی غیرضروری تلقی می‌شوند.

۶. سنجش و ارزیابی

۶-۱. اشتراکات

منظور از اشتراکات، مواردی است که هر دو مذهب دربارهٔ جواز یا عدم جواز جراحی زیبایی به نتیجه‌ای مشابه می‌رسند.

الف. تأکید بر ضرورت: در هر دو مذهب، جراحی‌های ترمیمی و درمانی که برای رفع نقص‌های جسمی یا بهبود عملکرد اعضای بدن ضروری هستند، عموماً مجاز شمرده می‌شوند. به عبارت دیگر، اگر جراحی برای حفظ سلامتی یا ارتقای کیفیت زندگی فرد ضروری باشد، از نظر هر دو مذهب قابل قبول است (آل‌سعدی، ۱۴۱۸ق: ص ۱۰۲).

ب. اهمیت نیت: در هر دو دیدگاه به نیت فرد از انجام جراحی زیبایی توجه می‌شود. اگر هدف از جراحی فریب دیگران، خودنمایی، جلب توجه نامشروع، فخرفروشی یا تشبیه به کفار و رقابت مذموم باشد، این عمل مورد نکوهش قرار گرفته و غیرمجاز است؛ اما در مواردی که برای بهبود، افزایش اعتماد به نفس و حفظ سلامتی انجام شود، جایز است (صفاتی، ۱۳۹۶ش: ص ۲۱).

ج. ممنوعیت اضرار به نفس: هر دو مذهب بر این اصل تأکید دارند که انجام هر عملی که به سلامت فرد آسیب برساند، جایز نیست؛ بنابراین، اگر جراحی زیبایی با خطرات جدی برای سلامتی همراه باشد، از نظر هر دو مذهب منع شده است (زرقا، ۱۴۰۹ق: ص ۱۶۵؛ اراکی، ۱۳۷۱ش: ص ۲۰۶).

د. رعایت موازین شرعی: هر دو مذهب بر این باورند که در انجام جراحی زیبایی باید موازین شرعی رعایت شود. تمامی فقها، اعم از شیعه و سنی، بر این نظرند که اگر انجام عملی منجر به لمس یا نگاه حرام شود، اقدام به آن جز در موارد ضرورت جایز نیست (حسامی و پارسا، ۱۳۹۳ش: ج ۲، ص ۴۸؛ شنقیطی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۱۸۴).

۲-۶. افتراقات

منظور از افتراقات، تفاوت‌ها و تمایزهایی است که در اصول، رویکردها و استنباط‌های هر یک از این دو مذهب نسبت به مسائل دینی و فقهی وجود دارد. در مورد جراحی زیبایی، افتراقات شامل موارد زیر است:

الف. مفهوم «تغییر خلقت الهی»: در تفسیر مفهوم «تغییر خلقت الهی» میان دو مذهب اختلاف وجود دارد؛ به عنوان مثال، برخی از علمای شیعه تغییرات جزئی و غیراساسی در ظاهر را مجاز می‌دانند (مکارم، ۱۳۷۴ش: ص ۴۲)، در حالی که برخی از علمای سنی هرگونه تغییر را، حتی اگر جزئی باشد، مصداق تغییر خلقت الهی دانسته و آن را حرام می‌دانند (شنقیطی، ۱۴۱۵ق: ص ۱۹۴).

ب. حدود ضرورت: در تعیین حدود ضرورت برای انجام جراحی زیبایی نیز میان دو مذهب اختلاف نظر وجود دارد؛ به طور مثال، برخی از علمای شیعه اصلاح عیوب ظاهری را که موجب مشکلات روحی و روانی فرد می‌شوند، نوعی ضرورت تلقی می‌کنند (شکر

امرجمی، ۱۳۸۷ش: ص ۶۰)؛ درحالی‌که برخی از علمای سنی تنها جراحی‌هایی را مجاز می‌دانند که جنبه درمانی داشته و برای حفظ سلامتی جسمی ضروری باشند (بعض طلبه العلم، ۱۴۳۱ق: ص ۲۶).

ج. تفاوت در استناد به منابع: علمای شیعه و سنی در استناد به منابع فقهی - قرآن، سنت، اجماع و عقل - و نیز در تفسیر و فهم این منابع، اختلاف دارند. این اختلاف می‌تواند به تفاوت در استنباط احکام جراحی زیبایی بین این دو مذهب منجر شود؛ به عنوان نمونه، در برداشت از آیه شریفه «وَلَا ضَلَّاهُمْ وَلَا ضَلَّتْهُمْ وَلَا مَرَّاهُمْ وَلَا مَرَّتْهُمْ فَلَيْبَسْكَ أَذَانُ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرَّاهُمْ فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ أَوْلِيَا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا» (نساء: ۱۱۹)، برخی فقها و علما استدلال کرده و بر این باورند که آیه به صراحت، «تغییر خلقت خدا» را مذمت کرده و آن را به شیطان نسبت می‌دهد؛ بنابراین، کسانی که خلقت خدا را تغییر می‌دهند، عملاً از دستور شیطان پیروی می‌کنند و دچار زیان آشکار می‌شوند (شنقطینی، ۱۴۱۵: ص ۱۹۴). با این حال، برخی دیگر معتقدند مراد از «خلق الله» در این آیه، دین و فطرت الهی است؛ یا اینکه آیه در سیاق خاصی نازل شده و منظور از تغییر خلقت، اعمال خرافی و بی‌مورد، مانند بریدن گوش حیوانات به عنوان قربانی برای بت‌هاست؛ یا تنها تغییرات اساسی در ذات و هویت انسان را شامل می‌شود، نه تغییرات ظاهری جزئی (طبرسی، ۱۴۱۵: ج ۶، ص ۵۸).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با بررسی تطبیقی دیدگاه‌های فقهی شیعه و اهل سنت در مسئله جراحی زیبایی به این نتیجه رسیده است:

هر دو مکتب فقهی، جراحی زیبایی را در صورت وجود ضرورت‌های پزشکی (مانند نقص عضو)، روانی (مانند آزارهای روحی ناشی از ناهنجاری‌های ظاهری) یا اجتماعی

(مانند مشکلات شغلی یا خانوادگی) با رعایت ضوابط شرعی جایز می‌دانند. با این حال، فقهای شیعه با تفسیر گسترده‌تر از مفهوم «ضرورت»، برخی موارد غیرپزشکی (مانند بهبود کیفیت زندگی فردی و اجتماعی) را نیز جایز می‌دانند؛ درحالی‌که برخی فقهای اهل سنت با استناد به روایات نهی از «تغییر خلقت»، دایره جواز را محدودتر کرده و جراحی‌های صرفاً تجملی را نامشروع می‌دانند. می‌توان گفت فقه اسلامی با در نظر گرفتن مصالح فردی و اجتماعی، رویکردی متعادل نسبت به مسائل مستحدثه دارد و با توجه به تحولات سریع در حوزه پزشکی، انجام پژوهش‌های بیشتر در زمینه احکام مسائل نوظهور امری ضروری است.

پی‌نوشت‌ها

۱. والنوازل تعرف في الاصطلاح وتطلق على المسائل والوقائع الحادثة الجديدة التي تحتاج إلى حكم شرعي.
۲. جراحی پلاستیک در واقع شاخه‌ای گسترده از جراحی عمومی است که خود به پنج زیرشاخه مهم تقسیم می‌شود: شاخه دست و اعصاب محیطی آن، شاخه ترمیمی و بازسازی اندام‌ها، شاخه فک و صورت، شاخه سوختگی‌ها و اسکارهای ناشی از آن، و شاخه جراحی زیبایی صورت (علوی‌راد، علی؛ فوق تخصص جراحی پلاستیک و زیبایی <https://dr.alialavirad.ir>).
۳. برای رفع نقص عضو که واجد ضرورت حیاتی است.
۴. جراحی صرفاً برای اصلاح یا زیباسازی عضوی از بدن که صورتی غیرطبیعی یا معیوب دارد.
۵. برای ارتقا و افزایش زیبایی که گاهی ناشی از توهم خودزشت‌پنداری است.
۶. لیپوساکشن (Liposuction)، ابدومینوپلاستی (Abdominoplasty - Tummy Tuck)، براکیوپلاستی (Brachioplasty - Arm Lift)، کروروپلاستی (Thigh Lift)، لیفت باسن (Buttock Lift - Brazilian Butt Lift)، ماموپلاستی (Mammoplasty)، ژنیکوماستی (Gynecomastia Surgery)، لیفت پشت (Back Lift)، لیفت پیشانی (Temple Lift)، لیفت صورت (Face Lift)، لیفت گردن (Neck Lift یا Platysmaplasty)، لیفت گونه

Cheek Lift یا Midface Lift)، لیفت پیشانی (Brow Lift)، رینوپلاستی یا جراحی بینی (Rhinoplasty)، اتوپلاستی یا جراحی اصلاح فرم گوش (Otoplasty)، جراحی فک وی لاین (V-Line Surgery)، جراحی رفع غبغب (Submental Liposuction).

۷. اخته کردن.

۸. فاصله‌گذاری بین دندان‌ها.

۹. در آوردن چشم؛ اگر عرب تعداد شترانش به هزار می‌رسید، چشم یک شتر نر را کور می‌کرد.

۱۰. خال‌کوبی کردن؛ خال و خط‌کوبیدن در دست و تن؛ نگار کردن بر پشت دست.

۱۱. عرب‌ها رسم داشتند که اگر تعداد شترانشان به هزار می‌رسید، یکی از چشم‌های شتر را کور می‌کردند.

۱۲. تراشیدن ریش.

۱۳. در مباحث فقهی، ضرر رساندن به خود را می‌توان در هفت دسته اصلی طبقه‌بندی کرد: ۱.

سلب حیات: اقدام به از بین بردن زندگی خود (خودکشی)؛ ۲. نقص عضو: آسیب‌هایی که

منجر به از دست دادن بخشی از بدن می‌شود؛ ۳. اختلال در کارکردهای بدنی: آسیب به

توانایی‌های فیزیکی یا حسی فرد؛ ۴. ایجاد بیماری: انجام اعمالی که موجب بروز ناخوشی و

ضعف جسمانی گردد؛ ۵. تلف کردن اموال قابل توجه: از بین بردن دارایی‌های با ارزش شخص؛

۶. خوارشماری نفس: انجام اعمالی که موجب تحقیر و کوچک شمردن شخصیت فرد شود؛ ۷.

ایجاد رنج و مشقت: انجام کارهایی که موجب فشارهای شدید جسمی یا روحی گردد.

۱۴. گاه انسان به خود ضرر می‌رساند؛ ولی در مقابل نفعی نیز می‌برد که از آن به «ضرر منجبر»

تعبیر می‌شود؛ به عنوان مثال، اگر شخصی دچار مرضی شود که نیاز به عمل جراحی دارد، از

یک سو درمان نکردن بیماری موجب ضرر به نفس می‌گردد و از سوی دیگر، جراحی مستلزم

وارد آمدن آسیب به بدن است؛ با این حال، این آسیب در نهایت به نفع او خواهد بود.

۱۵. این قاعده با عناوین دیگر نیز به کار می‌رود، از جمله: «کل حرام مضطرّ إلیه فهو حلال»،

«الضرورات تبیح المحظورات» و «الضرورة فی کل شیء إلا فی الدماء، الضرورات تُقَدَّر بقدرها».

منابع

قران کریم

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دارالفکر.
- احسائی، ابوبکر بن محمد بن عمر (۱۴۰۸ق)، جامع تفاسیر الأحلام = تنبیه الأفهام بتأویل الأحلام، الدوحة: دارالثقافة.
- اراکي، محمد علی (۱۳۷۱ش)، توضیح المسائل فارسی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- آل سعدی، عبدالرحمن بن ناصر بن عبدالله (۱۴۱۸ق)، رسالة لطيفة جامعة في أصول الفقه المهمة، بیروت: دار ابن حزم للطباعة والنشر والتوزيع.
- آل سعدی، عبدالرحمن بن ناصر بن عبدالله (۱۴۲۰ق)، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، المحقق: عبدالرحمن بن معلا اللویحق، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- الآلوسی، شهاب‌الدین محمود بن عبد الله الحسینی (۱۴۱۵ق)، روح المعاني فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثاني، المحقق: علی عبد الباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- اندلسی، أبوحیان محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، البحر المحیط فی التفسیر الدین، المحقق: صدقی محمد جمیل، بیروت: دارالفکر.
- اولسن، مریل (۱۳۸۸ش)، جراحي زیبایی، مترجم شهروز فرهنگ، چاپ اول، تهران: انتشارات کلید آموزش.
- بحرانی، محمد یوسف (۱۴۳۰ق)، الحدائق الناضرة، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (بی‌تا)، صحیح بخاری، بی‌جا: بی‌نا.
- بعض طلبة العلم (۱۴۳۱ق)، بحوث لبعض النوازل الفقهیة المعاصرة، النشر بالشاملة.
- بنی‌هاشمی خمینی، محمد حسن؛ اصولی، احسان (۱۳۹۳ش)، رساله توضیح المسائل (مراجع)، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم.
- بهجت، محمد تقی (۱۴۲۸ق)، استفتائات، قم: دفتر آیت الله بهجت.
- البیانونی، ابوالفتح محمد (۱۴۳۳ق)، العمليات التجميلية حقیقتها، أنواعها، حکمها، ضوابطها، حلب.

جرجانی، حسین بن الحسن بن محمد بن حلیم البخاری (۱۳۹۹ق)، المنهاج فی شعب الإیمان، بیروت: دارالفکر.

حاجی تبار فیروزجایی، حسن؛ موسوی شیخ، سیده محبوبه (۱۳۹۵ش)، «بررسی جواز جراحی پلاستیک در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران»، پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، ش ۴۳، ص ۷۵-۹۶.

حسامی، محمد عزیز؛ پارسا، فرزاد (۱۳۹۳ش)، فقه منهجی، سندج: انتشارات کردستان.

خمینی، سیدروح الله (۱۴۳۰ق)، کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام خمینی.

خمینی، سیدروح الله (۱۴۳۴ق)، تحریر الوسیله، قم: مطبعة مؤسسة العروج.

خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۶ق)، صراط النجاة، استفتاءات مع تعلیقه وملحق لآیه الله العظمی التبریزی (دام ظلّه الوارف)، تهران: دفتر نشر برگزیده.

راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد (۱۴۱۲)، المفردات، المحقق: صفوان عدنان الداودی، دمشق: دارالقلم.

رستمی و همکاران (۱۳۹۸ش)، «تحلیل فقهی و حقوقی حکم وعده بیع اعضای بدن انسان و بیان چالش های تجویز آن در مذاهب اسلامی»، دوفصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)، ش ۵۱، ص ۱۶-۳۰.

رضایی، اسدالله (۱۴۰۰ش)، «تحلیل و بررسی روش استنباط احکام فقهی فقه التّوازل بر مبنای امامیه و اهل سنت»، مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی، ش ۲، ص ۱۱۲-۱۴۸.

زحیلی، وهبة بن مصطفى (بی تا)، الفقه الإسلامي وأدلته، سوریه: دارالفکر.

زرقا، احمد بن الشیخ محمد (۱۴۰۹ق)، شرح القواعد الفقهیة، دمشق: دارالقلم.

سمرقندی، ابو الیث نصر بن محمد بن احمد بن ابراهیم (۱۴۳۱ق)، تفسیر السمرقندی (بحر العلوم)، بیروت: دارالکتب العلمیه.

سند، محمد (۱۴۲۳ق)، فقه الطب والتضخم النقدي، محقق: محمد حسن رضوی، بیروت: مؤسسة ام القرى للتحقیق والنشر.

شکر امرجی، ایوب؛ عباسی، محمود (۱۳۸۷ش)، «جراحی زیبایی از منظر فقه و حقوق پزشکی»، فصلنامه حقوق پزشکی، ش ۶، ص ۵۳-۹۲.

شنقیطی، محمد بن محمد المختار (۱۴۱۵ق)، أحكام الجراحة الطبية والآثار المترتبة عليها، جده: مكتبة الصحابة. صابونی، محمد علی (۱۴۰۰ق)، روائع البیان، تفسیر آیات الأحكام، بیروت: مكتبة الغزالی. صفاتی، زهره؛ کاظمی، مرجان (۱۳۹۶ش)، «جراحی زیبایی از منظر فقه»، پژوهش‌های نوین در گستره تاریخ، فرهنگ و تمدن شیعه، ش ۱، ص ۲۱-۵۴.

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۳ش)، المیزان في تفسیر القرآن، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه - امیرکبیر. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق)، تفسیر مجمع البیان، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات. طیار، عبدالله بن محمد بن احمد (۱۴۲۹ق)، وَبُلُ الْعَمَامَةِ فِي شَرْحِ عَمْدَةِ الْفَقْهِ لِابْنِ قُدَامَةَ، ریاض: دارالوطن للنشر والتوزيع.

عاملی، زین الدین بن علی، شهید ثانی (۱۴۱۲ق)، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

عاملی، محمد بن حسن (بی تا)، وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام. عبدالغفار، محمد حسن (۱۴۳۲ق)، القواعد الفقهية بين الأصالة والتوجيه، النشر بالشملة.

علوی گرگانی، سید محمد علی (۱۳۹۵ش)، استفتائات پزشکی، قم: فقیه اهل بیت عليه السلام. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۴ش)، «گستره حرمت تغییر خلق الله از منظر قرآن کریم»، دوفصلنامه قرآن، فقه و حقوق اسلامی، ش ۳، ص ۷-۳۰.

الفرع الشریف، انصاف حمزة (۲۰۲۱م)، «الضوابط الشرعية في عمليات التجميلية»، المجلة الأكاديمية للأبحاث والنشر العلمي جده، المملكة العربية السعودية، ص ۲۵-۷۳.

قاسمی، علی؛ جهانیان، علی (۱۴۰۰ش)، جراحی زیبایی از منظر فقه، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار عليه السلام. قرطبی، أبو عبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر (۱۳۸۴ق)، الجامع لأحكام القرآن (تفسیر القرطبی)، قاهره: دارالکتب المصرية.

قَتَوَجِي، أبو الطيب محمد صديق خان بن حسن بن علی (۱۴۱۲ق)، فتح البیان في مقاصد القرآن، بیروت: المكتبة العصرية للطباعة والنشر.

کلهرنیا گل کار، میثم؛ و دیگران (۱۳۹۱ش)، «بررسی فقهی-حقوقی مبانی و محدوده تجویز جراحی پزشکی زیبایی و ترمیمی»، فصلنامه حقوق پزشکی، ش ۲۱، ص ۷۹-۱۱۹.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳ش)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامية.
مجموعه من المؤلفین (۱۴۳۰ق)، فتاوی الشبکه الإسلامية.

<http://www.islamweb.net>

محسنی، محمد آصف (۱۴۲۶ق)، الفقه ومسائل طيبة، قم: بوستان کتاب.
محمودی، سید محسن (۱۳۸۳ش)، مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، تهران: مؤسسه علمی و فرهنگی صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.
مروتی شریف آباد، محمد علی؛ و همکاران (۱۳۹۳ش)، «بررسی مشکلات و عوارض خودکراشی جراحی زیبایی بینی در شهر یزد»، مجله علوم پزشکی جیرفت، ش ۱، ص ۶۷-۷۶.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰ش)، القواعد الفقهية، قم: مدرسة الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامية.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق)، دائرة المعارف فقه مقارن، قم: مدرسة الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام.
نجفی، محمد حسن بن باقر بن عبد الرحیم (۱۳۶۲ش)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. مترجم: علی آخوندی، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
نراقی، احمد (بی تا)، مستند الشيعة، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
نورالدین، أبو لحة (۱۴۳۷ق)، النوازل الفقهية ومناهج الفقهاء في التعامل معها، بیروت: دار الأنوار للنشر والتوزيع.
نوری، سید حسین؛ سبئی جهرمی، سعید (۱۴۰۲ش)، «واکاوی فقهی حکم اولی و ثانوی انواع عمل های جراحی زیبایی از دیدگاه مذاهب اسلامی و بررسی آن در نظام های حقوقی کشورهای مختلف»، پژوهش های فقهی، ش ۴، ص ۳۲۳-۳۳۶.